



اتانازی یا قتل از روی ترحم

هدایت الله جوادی *

مهدی نقوی **

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۷/۳۰ تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۴/۲۷

چکیده

انسان‌ها در عرصه زندگی دچار بیماری‌های صعب‌العلاجی می‌شوند که در نهایت منجر به مرگ آنان می‌گردد و بدیهی است که رنج و عذاب و سختی را در این پروسه بیماری متحمل می‌شوند اینجاست که اتانازی یا قتل از روی ترحم مطرح می‌گردد به عبارتی اتانازی عبارت است از پایان بخشیدن به حیات بیمار صعب‌العلاج به وسیله اطرافیان یا پزشکان ...

بدینسان تحت کمک دلسوزانه به حیات چنین شخصی خاتمه داده می‌شود سوال این است که آیا در جوامع مختلف چنین امری قابل پذیرش است که به حیات چنین بیمارانی خاتمه داده شود؟ اینجاست که تقابل فرهنگ‌های اجتماعی ممکن است مطرح شود گرچه دین اسلام این امر را قتل عمد می‌داند فقهاء اسلامی معتقدند حرمتی که در این قتل وجود دارد با رضایت مقتول از بین نمی‌رود و تمامی ادیان الهی هم چنین نظری دارند لکن در بعضی کشورها مثل سوئیس و بلژیک و... این امر پذیرفته شده است و در بعضی کشورها از موجبات تخفیف مجازات است در کشور ما هم چنین امری ولو با رضایت بیمار جرم شناخته می‌شود و مقاله حاضر یک بررسی تطبیقی راجع به این امر است و نشان می‌دهد در کدام کشورها به چه صورتی پذیرفته شده و نظر مذاهب و مراجع مختلف اسلامی و قانون‌گذار ایران در این خصوص چه می‌باشد.

کلید واژه‌ها

اتانازی، قتل از روی ترحم، بیمار صعب‌العلاج.

*. رئیس شعبه چهار دادگاه تجدید نظر استان تهران و مدرس دانشگاه. (نویسنده مسئول)

Email: h.javadi34@yahoo.com

** استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مرگ یک حقیقت است و حقیقتی که هر انسان آن را تجربه خواهد کرد. در ادیان الهی مرگ سرآغاز زندگی دوباره است در دین اسلام مرگ خاتمه زندگی در این دنیا می‌باشد و بعد از مرگ زندگی در دنیای دیگر آغاز می‌گردد. در دین بودا مرگ تنها پایان زندگی در این جسم است و بعد از مرگ فرد در جسم دیگری دوباره به این دنیا باز می‌گردد بعضی از بیماران دچار دردهای مزمن و صعب‌العلاج و یا غیرقابل علاج می‌باشند به نحوی که در طول دوره بیماری بارها آرزوی مرگ خویش را دارند چرا که درد و رنج شدیدی را متحمل می‌کنند و امیدی به بهبودی ندارند و خود را سربار دیگران می‌دانند و از طرفی اطرافیان چنین بیماران نیز شاهد درد و رنج طاقت فرسای عزیز خویش هستند به نحوی که گاهاً راضی به آرامش بیمار ولو به قیمت از دست دادن او می‌شوند این جاست مسئله اتانازی یا قتل از روی ترحم مطرح می‌گردد؛ بدین معنی که بیمار یا خودکشی نموده و به حیاتش خاتمه می‌دهد و یا از اطرافیان و پزشکان درخواست می‌کند در جهت رسیدن به آرامش به حیات وی خاتمه دهند باید به این نکته توجه داشت چنین بیماران تنها نگران درد و رنج خویش نیستند بلکه آنان به عزت نفس می‌اندیشند که در طول زندگی همواره با آنها همراه بوده و می‌خواهند تا آخرین دم حیات نیز با آنها همراه باشد. شاید یکی از راه‌ها در این مورد اتانازی می‌باشد اما اتانازی چیست؟

۱- معنای لغوی و مفهوم حقوقی اتانازی

این واژه در ابتدا با مسائل پزشکی و اخلاق پزشکی و درمان بیماران ارتباطی نداشت و به طور سنتی در معنای «مرگ راحت» مطرح می‌شد و در موقعیتی به کار می‌رفت که فرد با مرگی ناگهانی در زمان بسیار کوتاهی بدون درد و رنج بمیرد. با وجود اینکه این اصطلاح از نظر ریشه لغوی هنوز هم همان معنای مردن بدون درد و رنج را دارد، اما جهت این اصطلاح در حال حاضر تغییر کرده و وارد علم پزشکی شده و امروزه به عنوان یکی از بحث‌های مهم در اخلاق پزشکی مطرح گردیده است. اتانازی به معنای مرگ آسان و آرام، قتل از روی ترحم، مرگ خوب، قتل ترحم آمیز، مرگ شیرین ترجمه شده است و مسئله اتانازی به مفهوم کمک دلسوزانه به تسریع مرگ و پایان دادن به زندگی بیمار مطرح می‌گردد. (طالب زاده، ۱۳۸۲، ص ۴) اتانازی موضوع جنجالی مورد بحث در بسیاری از کشورهای جهان در طی دهه‌های اخیر بوده است و از جنبه‌های پزشکی و سایر جنبه‌ها مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته و مخالفین و موافقینی دارد. از نظر حقوقی اصطلاح اتانازی که ریشه آن از اصطلاح یونانی eu به معنای خوب و راحت و Thanatous به معنای مرگ است به همکاری آگاهانه و عمدی در پایان بخشیدن به زندگی بیمار اطلاق می‌شود (پایان‌نامه دکتری طالبزاده) به عبارت دیگر پایان دادن ارادی به حیات بیمار غیر قابل درمان توسط پزشک یا اعضاء گروه درمانی است برای رهایی بیمار از درد و رنج فراوان که بر مبنای خواست و رضایت بیمار یا نزدیکان او صورت می‌گیرد. (همتی مقدم، ۱۳۸۶، صص ۱ و ۴)

۲- اقسام اتانازی

قتل از روی ترحم از نظر بحث رضایت به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱- **داوطلبانه ۲- غیر داوطلبانه** (این قسم اتانازی مختص کسانی می‌باشد که توانایی تصمیم‌گیری ندارند مثل بیماران مرگ مغزی، نوزادان و کودکان، بیماران عقب مانده ذهنی و روانی) **۳- اتانازی اجباری** (مواردی که بر خلاف رضایت بیمار صورت می‌گیرد)

و اتانازی بر مبنای عملیات منتهی به مرگ به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱- **اتانازی فعال** (با انجام عمل مثبت مادی توسط کادر درمانی سلب حیات می‌شود مثل تزریق کشنده به بیمار و...)

۲- **اتانازی غیر فعال** (ترک فعل یا افعالی که موجب نجات جان بیمار و حفظ حیات وی می‌شوند و این ترک فعل یا افعال نتیجه‌اش خاتمه دادن به حیات بیمار می‌باشد مثل قطع دستگاه‌های حیاتی که بیمار را زنده نگه می‌دارد یا قطع تنفس مصنوعی)

اتانازی بر پایه **نقش پزشک** به دو قسمت تقسیم می‌شود:

۱- **اتانازی مستقیم** (مواردی که پزشک مستقیماً اقدام به سلب حیات بیمار می‌نماید) **۲- اتانازی غیر مستقیم یا خودکشی بیمار با کمک پزشک** (تهیه وسایل و ابزار خودکشی و گذاشتن آن‌ها در اختیار بیمار)

بنابراین می‌توانیم اتانازی را به چهار نوع تقسیم می‌شود:

- اتانازی فعال داوطلبانه
- اتانازی غیرفعال داوطلبانه
- اتانازی فعال غیر داوطلبانه
- اتانازی غیرفعال غیر داوطلبانه

اتانازی فعال داوطلبانه زمانی است که تصمیم‌گیرنده خود بیمار است و از نظر بیماری در شرایط دشوار بوده و موقعیت او همراه با درد و رنج شدید است. در این نوع اتانازی دیگر بحث بیماری و درد و رنج نیست و کشتن در واقع از روی ترحم نیست، بلکه بر اساس فلسفه حیات از دیدگاه بعضی از مکاتب است که معتقدند خودکشی امری خصوصی مربوط به انسان‌هاست.

در اتانازی نوع دوم مانند نوع فعال داوطلبانه جنجال برانگیز نیست، بلکه نوعی از اتانازی است که بیمار، درمان خود را رد می‌کند تا در مرگش تسریع ایجاد شود.

معمولاً اتانازی فعال غیرداوطلبانه در مورد بیمارانی به کار گرفته می‌شود که شرایط بسیار وخیمی دارند و پزشکان هم مطمئن‌اند که درمان امکان‌پذیر نیست پس با تزریق داروی خاص به او مرگ راحت را هدیه می‌کنند. ولی در مورد دوم معمولاً ممکن است بیمار حتی حالت نباتی فاقد درد و رنج هم داشته باشد و با استفاده از مراقبت‌های ویژه سال‌ها به همین حالت باقی خواهد ماند، اما درمان وی ممکن

نیست و نهایتاً هم از دیدگاه مرگ خواهد بود. (کرمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳)

مبحث سوم: اتانازی در اسلام

در سوره تین آیه ۴ در قرآن مجید آمده است: «ما انسان را در نیکوترین مراتب وجود آفریدیم» و در سوره مائده آیه ۳۲ ذکر شده است «زندگی یک انسان آن قدر ارزشمند است که نجات جان یک انسان با نجات جان تمامی انسان‌ها برابر دانسته شده است» و در سوره یونس اشاره دارد به این که «این خداوند است که زنده می‌کند و می‌میراند» و آیه ۶۱ سوره نحل نیز اعلام می‌دارد «و آن که مرگ را بر سر آدمی می‌آورد همان است که زندگی را در دست دارد و آن که می‌آفریند همان است که می‌میراند و آنگاه که اجل فرا رسد دیگر یک لحظه مقدم و موخر نخواهد شد»

در قرآن کریم دو واژه برای پایان بخشیدن به حیات آدمی مطرح است:

۱- واژه فوت ۲- واژه قتل (سلب حیات به وسیله دیگری و یا سلب حیات به وسیله خود شخص). در اسلام خودکشی و دگر کشی جایز نیست و درد و رنج در اسلام دارای ارزش معنوی است و بیماری یک نوع آزمایش الهی تلقی می‌گردد از پیامبر (ص) نقل است هیچ مرد یا زنی مریض نمی‌شود مگر این که به سبب آن بیماری خداوند گناهان او را می‌بخشد. (ری شهری، ۱۳۸۱، ش ۵۵۲۳)

حضرت سجاد (ع) می‌فرماید خدایا نمی‌دانم کدامین حالت شایسته تو برای شکرگذاری است هنگام صحت که توان استفاده از روزی پاک تو را دارم یا هنگام بیماری که وسیله رهایی من از گناهان است. (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶، صص ۸۰ و ۸۱) فقهاء اسلامی در زمینه اتانازی معتقدند حرمتی که در این قتل وجود دارد با رضایت مقتول از بین نمی‌رود زیرا مالک حقیقی انسان خداوند است و آدمی نمی‌تواند نسبت به حیات خویش تصمیم بگیرد. (محقق حلی، ص ۴۲)

با توجه به مراتب فوق سوالی مطرح می‌گردد دائر به این که اگر فردی به بیماری صعب العلاج مبتلا باشد و امیدی به بهبودی و نجات وی نباشد و بیمار که از درد و رنج طاقت فرسا در عذاب است و بدین سبب از پزشک معالج بخواهد به حیات وی خاتمه دهد آیا پزشک مجاز است؟

دیگر این که اگر پزشک با انگیزه بشر دوستانه و ترحم آمیز آمپول هوا تزریق کند یا با قطع دستگاه حیاتی به حیات بیمار با آن انگیزه پایان دهد چنین امری قتل تلقی می‌شود یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است انگیزه چه تأثیری دارد؟

فقهای اسلامی اعلام می‌دارند قتل حرام است بعبارتی نفس قتل را حرام می‌دانند و می‌گویند اذن بیمار برای خاتمه دادن به حیات خویش اگرچه ممکن است در میزان مجازات موثر باشد لکن حرام بودن عمل را از بین نمی‌برد و عمل مشروع نیست. اما در این زمینه هم فقهاء اسلامی با همدیگر اختلاف دارند در میان فقهاء عامه مانند مالکیه اذن بیمار برای خاتمه دادن به حیاتش تأثیری در سقوط مجازات ندارد زیرا اذن مذکور را باطل می‌دانند و برخی دیگر مانند حنفی‌ها رضایت بیمار را در میزان مجازات موثر می‌دانند.

در بین فقهاء امامیه نیز اختلاف نظر موجود است. برخی معتقدند رضایت مجنی علیه قصاص را ساقط می‌کند چون با اذن در قتل حق خود را ساقط نموده است و وراثت حق مطالبه قصاص را ندارند و برخی دیگر اعتقاد دارند دیه و قصاص قبل از مرگ ایجاد نگردیده است تا مجنی علیه مالک باشد و حق اسقاط داشته باشد و بعد از مرگ هم که میت نمی‌تواند مالک گردد. (همان، ص ۴۹) در جمع‌بندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که قتل بیمار ولو با اذن وی و با انگیزه بشر دوستانه و ترحم آمیز دارای دو جنبه تعرض به حق... و تعرض به حق الناس می‌باشد اگرچه ممکن است جنبه حق الناس با رضایت مجنی علیه یا اولیاء وی از بین برود و موجب سقوط مجازات دیه و قصاص شود لکن قتل از دیدگاه شرعی حرام است و عمل حرام با رضایت شخص حلال نمی‌شود.

مبحث چهارم: اتانازی از دیدگاه قوانین دیگر کشورها و حقوق موضوعه ایران

گفتار اول: اتانازی از دیدگاه قوانین دیگر کشورها

در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا قتل ترحم آمیز فرقی با دیگر قتل‌ها ندارد با وجود این در کشورهایی مثل بلژیک و سوئیس قتل ترحم آمیز فاقد جنبه جزایی می‌باشد و در کشورهایی مثل آلمان و ایتالیا موجب تخفیف مجازات است. در سوئیس نوع انفعالی اتانازی برسمیت شناخته شده است و ماده ۵۹ ق. ج. ایتالیا مقرر می‌دارد کسی که با رضایت شخصی موجب مرگ او شود و به حبس از ۶ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. (معتمد، ص ۱۳۷)

در حقوق جزای فرانسه تفاوتی با دیگر قتل‌ها ندارد و پزشک به موجب ماده ۲۰ آیین‌نامه نظام پزشکی حق ندارد. به حیات بیمار خاتمه دهد و طرفداران قتل ترحم آمیز در کشورهای آمریکایی و اروپایی مساعی خود را به کار می‌برند تا این گونه قتل‌ها را از قلمرو و حقوق کیفری خارج نمایند. (همان منبع)

گفتار دوم: قتل ترحم آمیز از دیدگاه قانون گذار ایران

قوانین جزایی و مدنی ایران مقتبس از قوانین اسلامی و فقه امامیه آن هم با اتخاذ قول مشهور فقهاء وضع شده و می‌شود در قوانین جزایی بحثی از قتل ترحم آمیز نشده است. تا سال ۱۳۷۰ قانون گذار ایران در این زمینه هیچ امتیازی به قاتل قائل نشده است در اصلاحات قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ قانون گذار بر عکس نظر سابق خویش عفو مجنی علیه را موجب سقوط قصاص دانسته است و در ماده ۲۶۸ آن قانون چنین بیان نموده است «چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط می‌شود و اولیاء دم نمی‌توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند» در مورد شمول ماده مذکور یا بحث قتل از روی ترحم در خصوص بیمار لاعلاج در مورد پزشک معالج یا دیگر اعضاء و کادر درمانی این سوال مطرح می‌گردد که با توجه به عناصر تشکیل دهنده قتل ترحم آمیز (۱- تقاضای بیمار صعب‌العلاج و غیر قابل تحمل ۲- متعذر بودن معالجه) آیا اقدام پزشک در سلب حیات بیمار

مشمول ماده ۲۶۸ ق.م.ا می‌باشد یا خیر؟

در این جا حقوقدانان دو گونه نظر دارند، الف: یک نظر اعلام می‌دارد تفسیر قوانین جزائی در فقه امامیه بر پایه منابع آن صورت می‌گیرد با تاکید به این نکته که در ماده ۲۶۸ ق.م.ا از واژه مجنی علیه استفاده شده و منظور این است که هرگاه جانی ضربه‌ای بر کسی وارد کند (در این صورت وی مجنی علیه می‌باشد نه بطور علی‌الاطلاق) و از فاصله جراحت تا مرگ، جانی را از قصاص معاف کند قصاص ساقط می‌شود. (میر حسینی، ص ۲۳۶) و در نظریه دیگر که بر پایه تفسیر بر ظاهر قانون استوار است قتل ترحم آمیز در زمره جرائم موضوع ماده ۲۶۸ ق.م.ا می‌باشد. به نظر می‌رسد نظریه دوم قابل دفاع باشد. نتیجتاً این که قتل از روی ترحم می‌تواند از مصادیق ماده ۲۶۸ ق.م.ا باشد. مثلاً پزشکی حسب درخواست بیمار صعب‌العلاج آمپول هوا تزریق می‌کند و بیمار فوت نماید و در این که آیا اعلام اذن یا عفو پزشک قبل از مرگ به مبری نماید اولیاء دم حق قصاص وی را ندارند و در این که آیا اعلام اذن یا عفو پزشک قبل از مرگ به وسیله مجنی علیه صرفاً موجب سقوط مجازات قصاص است یا این که اولیاء دم با وجود این امر می‌توانند دیه را مطالبه نمایند؟

در پاسخ سوال باید گفت دو جور می‌شود استنباط کرد حالت اول این که قصاص حق مجنی علیه است وقتی اصل حق (قصاص) ساقط می‌شود معقول به نظر نمی‌رسد که اصل از بین برود ولی فرع یا بدل باقی بماند.

حالت دوم این که قانون‌گذار در ماده ۲۶۸ از ق.م.ا به صراحت صرفاً به سقوط مجازات اشاره دارد و در مورد مجازات دیه ساکت است. به نظر می‌رسد برداشت اول صحیح‌تر باشد چرا که برای یک عمل دو نوع مجازات معین نشده است تا با سقوط یکی دیگری باقی باشد. مطلب دیگری که به نظر می‌رسد توجه قانون‌گذار به جنبه‌ی عمومی قتل است در اصلاحات سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار با وضع ماده ۲۰۸ و برخی دیگر از مواد قانون مجازات اسلامی از باب حفظ نظامات اجتماعی مجازات حبس در نظر گرفته است. ماده ۲۰۸ ق.م.ا مقرر می‌دارد هر کس مرتکب قتل عمد شود شاکی نداشته باشد و یا این که شاکی داشته و اعلام گذشت کرده باشد اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از سه تا ده سال خواهد بود. با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار برای روشن شدن موضوع و حل اختلافات در برداشت از قانون در ماده ۳۶۵ چنین بیان نموده است:

در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود.

از تلفیق مواد ۲۶۸ و ۲۰۸ از ق.م.ا سابق و ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان دریافت که قتل از روی ترحم قتل عمد است و چنان که بیمار صعب‌العلاج پزشک را قبل از قتل از قصاص نفس

عفو کند حق قصاص ساقط می‌گردد و در صورت عفو قبلی مقتول اولیاءدم نمی‌توانند مطالبه قصاص نمایند و دیه هم موضوعیت ندارد و اما در مورد مجازات تعزیری معین از سوی قانون‌گذار در ماده ۲۰۸ ق.م.ا سابق تکلیف را از باب اعمال مجازات تعزیری مشخص کرده بود و قانون مجازات جدید التصویب نیز در ماده ۴۴۷ اعلام می‌دارد در کلیه موارد ارجاعی به قانون تعزیرات در خصوص قتل عمد مطابق ماده ۶۱۲ آن قانون و در سایر جنایات عمدی مطابق ماده ۶۱۴ و تبصره آن عمل شود باید اعلام کرد اختیار تعیین این مجازات با قاضی است چنان که دادرس دادگاه مورد را از موارد اخلال در نظم عمومی و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران بداند تعیین مجازات تعزیری بلاشکال است هر چند که سیاق عبارات قانون و نحوه تنظیم آن به گونه‌ای است که چنین استدلالی دور از ذهن می‌نماید..

فهرست منابع

- ۱- عمید، دکتر حسن، فرهنگ فارسی عمید انتشارات امیر کبیر ۱۳۵۸
- ۲- ری شهری، محمد، میزان الحکمه ترجمه شیخی، قم، ۱۳۸۱
- ۳- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه صحیفه سجاده انشارات ایوان ۱۳۸۶
- ۴- محمدی، دکتر ابوالحسن، ترجمه شرایع الاسلام محقق حلی ۱۳۶۴
- ۵- میرحسینی، دکتر سید حسن، سقوط مجازات در نظام حقوقی اسلام و ایران
- ۶- معتمد، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، سال ۱۳۵۱ تهران
- ۷- گلدوزیان، دکتر ایرج، حقوق جزای اختصاصی انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۹۰
- ۸- طالبزاده، افشین، بررسی نگرش پزشکان و دانشجویان پزشکی در زمینه اتانازی (پایان نامه دکترا) ۱۳۸۲
- ۹- همتی مقدم، احمدرضا، مقاله- فصلنامه اخلاق پزشکی ۱۳۸۶
- ۱۰- قرآن کریم
- ۱۱- قانون مجازات اسلامی
- ۱۲- مصوب ۱۳۷۰، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون تعزیرات اسلامی ۱۳۷۵
- ۱۳- کرمی، خدابخش، اوتانازی؛ مرگ آسان و راحت